

اولین کنفرانس منطقه شماره یکم به شرکت هر سه رفیق عضو کمیته منطقه همراه با دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست

شروع جلسه ساعت 8/45 صبح 11/5/1991

درین جلسه باید روی سه مسئله بحث خود را آغاز نمایم که عبارت از عرصه تشکیلات ، نظامی و مالی می باشد که مهم ترین آن عبارت از صحبت روی عرصه تشکیلات خواهد بود و بعدا روی دو مورد دیگر صحبت می نمایم . درمورد تشکیلات نیز مهم همانا برقراری و تامین رابطه متوازن کمیته منطقه با دفتر سیاسی و کمیته محل با کمیته منطقه می باشد ، در آن جا های که این چنین کمیته ها وجود دارند و یا احتمال بوجود آمدن آنها موجود می باشد .

- اولین فیصله - بعد از برگزاری جلسه کمیته منطقه که هر دو ماه یکبار صورت می گیرد، تماس از جانب رفقای منطقه شماره یکم با دفتر سیاسی گرفته می شود.

- بعد از بحث سه کمیته محلی در سه محل کوهستانی ، نسبتا کوهستانی و هموار با سه ، سه عضو بوجود آمده و اعضای آن تعیین شد .

بحث در مورد حمید به این نتیجه رسید که عمده ترین مسئله در مورد وی همانا گسست و چگونگی رابطه وی با محترمه می باشد . در صورتیکه رفقا مطمئن شوند که رابطه وی کاملا قطع می باشد ، در آن صورت ارتقاء وی به کمیته محل یک انتخاب مناسب خواهد بود .

- در مورد مشتاق از توضیحات داده شده، رفیق علی بر می آید که به نامبرده یعنی مشتاق منحیث یک فرد مشکوک متمایل به دولت برخورد شده و وی را طرد شده از تشکیلات محل به حساب آورند .

روز دوم تاریخ 12/5/1991 ساعت 8/00 صبح

- درمورد کمیته منطقه دو مشکل وجود دارد :

1 - مشکل جایی - هنوز ما نتوانسته ایم مشکل جایی را برای یک شب حل نمایم درحالیکه برای تشکیل جلسات کمیته منطقه حد اقل دو شب ضرورت است .

2 - مشکل مالی - مسئله تامین رابطه با دفتر - مسئله تامین رابطه با محل - بودجه موجود صرفا 20 هزار افغانی می باشد .

3 - ایجاد کمیته های محل اشکالات زیاد ندارد ، زیرا در خود محل دید و وادید می شود .

- یکی از راه های حل مشکل عبارت است از یک اطاق گرفتن در خود بازار می باشد و این در صورتی ممکن است که یکی از رفقا در بازار دکانی بگیرد .

+ پرابلم چند فرد چپی است . + را باید آماده نمایم در حالیکه هنوز وی خودش کمونیست نیست .

+ در منطقه (ج) پرابلم عبارت از این است که رفیق فروتن را می شناسند ، در حالیکه چند جایی وجود دارد .

- در مورد رابطه کمیته منطقه با دفتر باید حد اقل اولی از طریق روابط مطمئن تامین گردد .

مسئله کلینیک حاجی و مکتب :

- فیصدی مصادره از کلینیک . تیکه داری مکتب . مسئله قرطاسیه و کتاب و خرید آن از کابل .

مسئله انتخاب معلمین از خود محل . مسئله علیزاده .

وضع زندگي حاجي و بافت خوردن آن با پروژه مسئله مصادره را تاحدودي منتقي مي سازد.

نقايس :

- آنهاي که درگرد اين پروژه گرد مي آيند ماهي هاي لب دريا مي باشند .
- اگر فرضا نصري ها و غيره آنها را نشناسند ، خود پروژه دهنده ها مي شناسند .
- بر حول پروژه متمرکز شدن براي ما نقص دارد .
- درمورد مصادره مسئله شفاخانه قول جو .
- مقدار مصادره درحدود 27 تا 30 خواهد بود ولي معاش آن سالانه درهمين حدودمي باشد .
- آيا درچنين حالي که تامي افراد به دور پروژه ها و امکانات متشکل شده اند راه هاي آسانتر از همين طريق است يا برعکس .
- براي از بين بردن پروژه ها .
- در رفقاي اينجا کساني هستند که بسيار خوب بتوانند به داخل زندگي نمايند .
- درمورد پروژه ها يکطرفه حرکت شده است .

* مسئله پروژه حاجي که خود يك استثناء است اگر در دوران سازمان مي توانست توجه پذير باشد ، حال که با موجوديت حزب قطعا نمي تواند توجه پذير باشد . بخصوص در اوضاعي که چپ مردار خود را بدور پروژه ها سازماندهي نموده و بين خود مشاجراتي دارند ، براي حزب زيان آور وجاي براي ضربه خوردن مي باشد. از اين رو لازمست نيرنگ نو استعماري را جدا متوجه بوده و با آن به مقابله برخاست ، فقط با مقابله با اين نيرنگ مي توان روي پاي خويش ايستاده و به پيشروي ادامه داد .

- منبع مالي موجود حد اقل در منطقه را رفقا مي توانند غرض پيشبرد امور تشکيلاتي منطقه وتامين رابطه با دفتر بکار برند . اما مبلغ احتمالي پسر خان در صورت بدست آمدن بايد به دفتر انتقال داده شود .

- کوشش در سازماندهي درست و بهتر در جمع آوري حق العضويت ها و کمک هاي مالي .

درمورد موجوديت رابطه با سازمان نصر چنين بحث شد :

جلسه 13 / 5 / 1991 ساعت 5 عصر – سومين جلسه روز سوم :

بحث پيرامون مسائل نظامي :

در بحث روز قبل روي پرابلم منطقه هموار که رفقا و هواداران فيصله نموده بودند که يا سازمان (اکنون حزب) مشکلات مار از تسليحاتي رفع نمايد ويا اينکه ما بر اساس سلاح هاي طالبي که از نصر گرفته ايم به آن سازمان مي رويم (يعني در حقيقت بر اساس تقديم درخواست هاي خود به آن سازمان قبلا رفته اند) بحث شد . در اينجا دوناظر ارائه شد :

1 – نظر رفيق علي خود از همان محل اند و اين فيصله رفقا را آورده اند . رفيق علي عقیده داشت که اين فيصله صحيح مي باشد و اگر رفقا آن را قبول ننمايند فقط خودش مي تواند از فيصله رفقا اطاعت نمايد .

2 - نظر رفيق ضياء اين بود که رفقا و هواداران آن محل عملا به سازمان نصر رفته اند . بايد راه برآمدن آنها سنجش شود .

توضيحات رفيق ضياء :

مسئله رفتن اين رفقا و هواداران چيزي بي سابقه نيست . قبلا سال گذشته نيز اين ها با حرکت و ضابط اکبر تماس هابي داشته اند که مسئله گروگان گيري سال گذشته وتوان دادن 4 تفنگ از

حزب اسلامي که اینها قبلا در آن رابطه فعالیت می نمودند . وقتی این مسایل با رفیق علی - موقعی که از ایران آمده بودند درین رابطه صحبت شد ، آنها حتی از ابلاغ موضع سازمان کمونیست ها که بین نیروهای دولت کابل و نیروهای احزاب ارتجاعی اسلامی هیچ فرقی وجود ندارد و عین حکم را دارد ، به این رفقا استتکاف می ورزیدند . استدلال رفیق این بود که فایده ندارد . با وجود این در وضعیت فعلی که سازمان به حزب ارتقاء نموده است مهم ترین عرصه مبارزات ما همانا مبارزه علیه این تمایل (فعالیت پوششی) می باشد . لذا باید قاطعانه علیه تمایل رفتن به هر طرف ازین نیروهای ارتجاعی مبارزه و آنها را محکوم نمود . در غیر آن اولاً حکم حزب با اینگونه استثناء قرار دادن ها مورد سوال قرار می گیرد ، ثانیاً حتی حکم خود این رفیق در مورد رفتن یا نرفتن به دولت از جانب مشتاق خود مورد سوال قرار می گیرد و در تناقض قرار میگیرد .

- پرسش رفیق فروتن این بود که چاره چیست ؟ در چنین حالت رفقای آن محل چه کنند ؟

- رفیق علی از تهدید آخرین که یکی از رفقا را تهدید نمودند . قصه کرد که خود بر مجبوری رفتن و یا ضرورت آن اشاره میشد . رفیق علی در خورد داود گفت که وی ندای انقلاب (سه شماره) را توسط مشتاق گرفته و خوانده و نصر نیز این اسناد را در اختیار دارد ، زیرا داود را قبلاً دستگیر نموده بود .

رفیق ضیاء - باید متوجه بود که داود اعتراف نموده و باید از همین زاویه به قضیه برخورد نمود و این ... رفیق علی بیشتر می تواند توجیه شود . نصر نه ندای انقلاب بلکه تازه اندیشی در ساما نظریات سحر و آرام را که در عقب آن تکثیر هسته نوشته شده خوانده و احتمالاً چیز های از این قبیل . در مورد دستگیری داود و مشتاق ، سابقه دستگیری ناصر خان و اعترافات 32 صفحه ای وی ، اعترافات شیخ اسلامی و برآمد نیمه علنی رفقای آن محل قضیه . قضیه مهم برای نصر بیشتر تفکیک بین روشنفکران محل که شعله ای باید باشند ، و بی سوادان که روابط توده ای شعله ای ها خوانده شوند می باشد ، لذا گزارشی یونس به رفیق علی ، توضیح اصل مطلب نیست . چون از کاهدان داود سند تازه اندیشی تکثیر شده از هسته را گرفته و فعلاً داود حزب اسلامی است لذا نصر هسته ای نه داود بلکه رفقای محل را می شناسند ، زیرا این رفقا با داود درگیری دارند ، این را علاوه از روی اسناد موجود محل هم از روی روابط میثم ، اوحدی ، حرکت و غیره نیز می توانند بفهمند .

بحث رفیق علی :

من یقین دارم که نصر نه مشتاق را و نه من را می زند ، زیرا مشتاق تمام اسناد را به داود داده است و هر دو را یکجا هم دستگیر نمی کنند ... داود درجایی موقعیت می گیرد که نصر نمی تواند با تمام زور دستگیر کند ، داود را با پادرمیانی مشتاق دستگیر می کند و مشتاق با داود تا نزدیک موتر می رود و نصر داود را می برد ، ازین رو مشتاق همکار نصر می باشد . در مورد شناخت هسته نه تنها نصر بلکه حتی نجیب هم می داند و از ریزه کاری های ما خبر دارد . من ترجیح می دهم که بجای اینکه از دست حزب اسلامی کشته شوم از دست اوحدی کشته شوم . وقتی اوحدی مرا دستگیر نمود از گذشته هیچ پرسش نکرد . و ما را به اتهام حزب اسلامی گرفت و تحقیق مرا بنام عضو حزب اسلامی کرد .

در خلال بحث ها چگونگی توبه نامه دادن خلبان و علی به حرکت و امان نامه دادن به رفیق علی مطرح شده است که این قضیه بعد از ضربت خوردن ساما اتفاق افتاده ولی تا هنوز مخفی مانده است و رفیق هم در زمستان سال گذشته موقعیکه از ایران می رود مطلع می شود از زبان خود آنها مطلع می گردد .

بعد از بحث های طولانی بدون اینکه رفیق علی کاملاً متقاعد شود که حرکت خود را مطابق به مرامنامه حزب عیار نماید می گوید که فیصله حزب یا در حقیقت فیصله این جلسه را قبول دارد و

درعین حال مسئله شناخت از گذشته و اطمینان روی آینده را مطرح می نماید . طرح مسئله شناخت از هر یک رفقا بگونه ای که پای اعتمادی به میان آمده و تمام دستاوردهای تاکنون بدست آمده را مورد سوال قرار می دهد نمی تواند مورد انتقاد جدی نباشد . بخصوص که بلافاصله بعد از تعهد جمعی و سوگند در ایستادگی و حرکت در راه ترسیم شده توسط مرانامه حزب درکنگره بعمل میآید.

جلسه روز چهارم 14 / 5 / 1991 ساعت چهار عصر

بعد از بحث چند روزه پیرامون چگونگی پیشبرد فعالیت های حزب در منطقه شماره یکم و اینکه عمدتاً وظیفه رفقای مسئول چیست ، رفقا به این قرار واحد رسیدند :

1 - وظیفه عمده همانا ساختن تشکیلات محلات برحول تشکیلات منطقه می باشد . رفقای مسئول باید متوجه باشند که حزب بدون داشتن تشکیلات واقعا حزبی در واقع هیچ نخواهد داشت ، لذا ایجاد رویه و کرکتر حزبی و سازماندهی حزبی را برای یک لحظه از نظر دور نداشته و عمده بودن آنرا از نظر دورندارید . هر فعالیت دیگر را باید با این دید محاسبه نمایند که برای پیشبرد این وظیفه عمده کمک می نماید یا خیر ؟

2 - در مورد فعالیت پوششی و رفتن زیر رهبری هیچ حزب ارتجاعی مجاز نیست ، هرگاه رفقا و هواداران اگر احتمالاً در رابطه با این احزاب قرار داشته باشند رفقای مسئول وظیفه دارند که در بیرون کشیدن این رفقا و هواداران کوشش جدی نمایند . هرگاه بنا به وضعیتی رفقا و هواداران و یا عده از آنها در محل مجبور باشند رابطه قومی و یا توده ای این احزاب شوند باید بکوشند ازین حدود فراتر نروند ، در واقع با تظاهر با طرفدار بودن از آنها عملاً یا هیچ کدام آنها نباشند . فقط درین صورت زمینه فعالیت و فعال شدن هر چه بیشتر می تواند ممکن باشد .
- بعد از یک بحث مختصر اختتامیه در مورد توجه به وظایف حزبی و اهمیت آن جلسه خاتمه یافت .

(بازتایب کننده " حبیب ")